آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۵۲۱
دوشنبه
۱۸ • ۰۸ • ۱۴۰۵
۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ / ۰۹ نوامبر ۲۰۲۶

سخن روز

آیزنکوت و پایان حیات سیاسی نتانیاهو؟



مجید صفاتاج
کارشناس مسائلبین‌الملل

انتخابات اخیر اسرائیل را می‌توان یکی از شکننده‌ترین و سست‌ترین انتخابات در تاریخ این رژیم ارزیابی کرد. اگر روند و فرایند انتخابات اسرائیل را در دو دهه گذشته بررسی کنیم، درمی‌یابیم که این روند به‌تدریج در مسیری نزولی قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که طی این مدت، هیچ حزبی نتوانسته به‌طور مستقل اکثریت کرسی‌های پارلمان را به دست آورد و دولت را به‌تنهایی تشکیل دهد. از همین رو، احزاب ناگزیر بوده‌اند برای تشکیل کابینه با جریان‌های سیاسی دیگر ائتلاف کنند؛ حتی در مواردی این ائتلاف‌ها به احزاب و جریان‌های عربی نیز رسیده است که نامزدهای آنها موفق به کسب کرسی در کنست، پارلمان اسرائیل، شده‌اند. نکته دیگری که در تحلیل انتخابات اخیر اسرائیل باید به آن توجه کرد، تأثیر بحران‌ها و چالش‌های ناشی از جنگ رژیم صهیونیستی با ایران و جبهه مقاومت است. همان‌طور که نمی‌توان انتخابات اخیر آمریکا را بدون در نظر گرفتن تحولات و پیامدهای جنگ با ایران تحلیل کرد، انتخابات اسرائیل نیز از این تحولات تأثیر پذیرفته و بدون تردید، جنگ با ایران در نتایج این انتخابات نقش داشته و حتی بر روند انتخاب آیزنکوت و مأموریت احتمالی او برای تشکیل دولت ائتلافی نیز تأثیر گذاشته است. از سوی دیگر، شکست نظامی آمریکا در جنگ با ایران، آن هم برخلاف تمامی شعارها و ادعاهایی که ترامپ پیش از آغاز جنگ مطرح می‌کرد، از دیگر عواملی بود که بر موقعیت سیاسی نتانیاهو تأثیر گذاشت. مجموعه این تحولات سبب شده است که شخصیتی مانند نتانیاهو دیگر نتواند به‌آسانی در مسند قدرت در اسرائیل باقی بماند؛ حتی با وجود اینکه تعداد کرسی‌های حزب او از حزب رقیب بیشتر بوده، مأموریت تشکیل دولت به رقیب او یعنی گادی آیزنکوت واگذار شده است. البته آیزنکوت نیز اعلام کرده که قصد ندارد با احزاب عربی ائتلاف کند. واقعیت این است که احزاب چپ‌گرا و راست‌گرا، مذهبی و سکولار اسرائیل، با وجود اختلافات عمیق سیاسی و ایدئولوژیک، در یک موضوع اشتراک نظر دارند و آن، حفظ موجودیت اسرائیل است. از همین منظر، طبیعی است که تمایل چندانی به ائتلاف با احزاب عربی نداشته باشند. با این حال، شرایط سیاسی ممکن است به‌گونه‌ای پیش برود که آیزنکوت برای جلوگیری از تداوم بحران سیاسی و از دست رفتن امکان تشکیل دولت، ناگزیر به همکاری با جریان‌هایی شود که در شرایط عادی حاضر به ائتلاف با آنها نیست. حتی ممکن است برای تحقق این هدف، فشارهای اقتصادی، روانی و اجتماعی ناشی از جنگ علیه ایران را کاهش دهد و اسرائیل را به سمت اتخاذ رویکردی مبتنی بر عقلانیت سیاسی سوق دهد؛ رویکردی که هدف آن کاهش چالش‌ها و بحران‌های منطقه‌ای، از جمله در لبنان، یمن و در مواجهه با جبهه مقاومت و جمهوری اسلامی ایران باشد. بنابراین، اگرچه آیزنکوت اعلام کرده که با احزاب عربی ائتلاف نخواهد کرد، اما به نظر می‌رسد در عمل ناگزیر شود دست همکاری به سوی آنها دراز کند. گزینه دیگر این است که با برخی جریان‌های سیاسی حاضر در ائتلاف رقیب وارد مذاکره شود و با ارائه پیشنهادهایی، آنها را به خروج از ائتلاف نتانیاهو و پیوستن به جریان خود ترغیب کند. در واقع، هر دو سناریو امکان‌پذیر است؛ هم ائتلاف با احزاب عربی و هم جذب برخی جریان‌های سیاسی از ائتلاف رقیب. با این حال، حتی اگر چنین ائتلافی شکل بگیرد، نمی‌توان انتظار داشت که از ثبات و دوام چندانی برخوردار باشد. ترکیب ناهمگون سیاسی و اختلافات ایدئولوژیک میان اعضای آن، دولت احتمالی را با شکنندگی و آسیب‌پذیری جدی مواجه خواهد کرد. اگر آیزنکوت موفق به تشکیل دولت شود، می‌توان گفت که نتانیاهو در این مقطع زمانی عملاً به پایان حیات سیاسی خود نزدیک خواهد شد. به‌ویژه آنکه پرونده قضایی او همچنان مفتوح است و باید در دادگاه حاضر شود. از این منظر، به نظر می‌رسد واکنش نتانیاهو به تحولات پیش رو، واکنشی منفعلانه باشد.

خبر

نایب رئیس مجلس:

نیروهای مسلح با سلاح‌های نوین آماده دفاع از ایران هستند

نایب رئیس مجلس با اشاره به ناکامی دشمنان در دستیابی به اهداف شوم خود، از جمله تجزیه بخشی از خاک کشور، تسلط بر منابع نفتی ایران، ایجاد اختلاف در حاکمیت و به راه انداختن آشوب‌های داخلی، گفت: ما به دنبال جنگ نیستیم، اما آمریکا باید منطقه را ترک کند؛ زیرا تداوم حضور این کشور در منطقه، در کوتاه‌مدت می‌تواند بار دیگر زمینه‌ساز وقوع جنگ شود. علی نیکزاد با اشاره به رویکرد خشونت‌آمیز و جنگ‌طلبانه آمریکا، تأکید کرد: از سال ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت مصدق به دست استکبار جهانی تا تحولات لیبی، گواتمالا، شیلی، افغانستان، عراق و سوریه، شاهد بوده‌ایم که آمریکایی‌ها پیش از آغاز حملات، تصور می‌کردند جنگ به سرعت و با هزینه‌ای اندک به پایان خواهد رسید. آنها در جنگ علیه ایران نیز به دنبال نابودی دستاوردهای هسته‌ای کشورمان، تغییر نظام سیاسی و وادار کردن مردم به تسلیم بودند، اما دریافتند که این رویا هرگز تعبیر نخواهد شد زیرا شناخت درستی از مردم، مسئولان، نیروهای مسلح و جغرافیای ایران نداشتند. نیکزاد افزود: اینجا ایران است و نمی‌توانند تاریخ آن را از بین ببرند. ما با اقتدار در میدان حضور داریم. از یک سو، نیروهای مسلح کشورمان با اتکا به سلاح‌های نوین، که حاصل خلاقیت و توانمندی جوانان ایرانی است آماده دفاع هستند و از سوی دیگر، مردم نیز در صحنه حضور دارند. نماینده مردم اردبیل در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: دشمنان تصور می‌کردند در صورت وقوع جنگ، چند میلیون نفر از مناطق مرکزی کشور به استان‌های دیگر مهاجرت می‌کنند و در نتیجه، کمبود مواد غذایی و سوخت به وجود می‌آید. آنها فکر می‌کردند با بستن بنادر جنوبی کشور، ما را به تسلیم وادار خواهند کرد اما شکست خوردند. ما موافق جنگ نیستیم اما اگر جنگی رخ دهد این بار هیچ محدودیت جغرافیایی برای پاسخ به دشمن وجود نخواهد داشت.

«آرمان ملی» بررسی می‌کند

کاخ سفید در محاصره تندروها



آرمان ملی - فرشاد گلزاری: موج عزل و نصب‌ها در دولت ترامپ، امری جدید و یا غیرمنتظره نیست؛ چراکه در دولت اول او بارها شاهد آن بودیم که اشخاصی مانند رکس تیلرسون و بسیاری از مقامات سیاسی، امنیتی و نظامی به دلیل اختلافات عمیق با ترامپ به سمت استعفا رفتند و در نهایت از حلقه اول تیم ترامپ خارج شدند. برخی از آنها مانند جان بولتون و... هم پس از خروج از کاخ سفید، خاطرات و مجادلات خود در زمان حضور در تیم ترامپ را به سیاهه تبدیل و در قالب کتاب منتشر کردند؛ اما سوال این بوده و هست که چرا یک جماعتی از چهره‌های سیاسی، امنیتی و نظامی ایالات متحده از دست ترامپ فراری هستند یا پس از تغییرات و فعل و انفعال‌هایی مانند انتخابات نوامبر و حتی خارج از چنین تحولاتی، از کاخ سفید راهی منزل یا دفتر کار خود شده و از ترامپ فاصله می‌گیرند؟ پاسخ در شخصیت ترامپ است. او نه تنها در دولت کنونی، بلکه در دولت اول هم به نوعی کاخ سفید را دفتر سهامی خاص خود و دوستانش می‌داند و عملاً هر کسی که طرف او باشد یا اینکه یک رابطه اقتصادی مشخص با وی داشته باشد، در تیم او جای خواهد داشت اما در این میان او یک خط باریک قرمز اما مشخص برای خود دارد که این خط هم کاملاً به نفع خودش تعریف شده است.

چینش محافظه‌کارانه

ترامپ تمام کسانی را که انتصاب می‌کند، به عنوان یک ابزار سیاسی یا اقتصادی قلمداد می‌کند. به عنوان مثال اخیراً او دانا وایت رئیس یو.اف.سی (UFC) را به عنوان گزینه پیشنهادی برای سخنگویی کاخ سفید مطرح کرد که در نهایت این پیشنهاد از سوی وایت رد شد. همین یک مورد نشان می‌دهد که ترامپ به دلیل علاقه شخصی به ورزش یو.اف.سی که یکی از خشن‌ترین مسابقات قهرمانی مبارزه در دنیا به حساب می‌آید و شایعاتی در مورد شرط‌بندی‌های کلان ترامپ روی این بازی‌ها از گذشته مطرح بوده، او را برای این گزینه معرفی کرده است. نکته اینجاست که او برخی‌ها را به دلایل علایق و روابط شخصی منصوب می‌کند و برخی دیگر را به دلیل روابط کاری و سودهای کلانی که می‌تواند برای آنها به دنبال داشته باشد که جرد کوشنر، تام باراک، استیو ویتکاف و... از جمله این اشخاص هستند. با این تفاسیر او حالا یک شکست سیاسی را متحمل شده و دقیقاً این همان خط قرمز ترامپ است. او حالا به دنبال قربانی می‌گردد و در حال عزل و نصب‌هایی است تا در خلال آن اولاً بگوید که تیم قبلی او باعث شکست جمهوریخواهان در انتخابات سوم نوامبر شدند و از سوی دیگر افرادی را جایگزین آنها کند که هم تندروتر هستند و هم اینکه با او درباره پرونده ایران هم نظر و همسو هستند. به عنوان مثال منابع خبری آمریکا اعلام کرده‌اند که ریچارد والترز، معاون رئیس دفتر کارکنان کاخ سفید، در حال ترک دولت است و این نخستین خروج مهم در چارچوب تغییرات مورد انتظار در ترکیب کارکنان کاخ سفید محسوب می‌شود؛ تغییراتی که هم‌زمان با آغاز به کار استیون میلر، رئیس جدید دفتر کارکنان کاخ سفید، در حال انجام است. خروج یکی از متحدان سوزی وایلز، رئیس دفتر کارکنان کاخ سفید که در آستانه کناره‌گیری از سمت خود قرار دارد، نشانه‌ای از تغییر موازنه قدرت در بال غربی کاخ سفید است؛ جایی که تیم میلر آماده می‌شود نقش‌های قدرتمندتری را در اختیار بگیرد. والترز یکی از نزدیک‌ترین چهره‌های سیاسی مورد اعتماد وایلز بود و رابطه آنها به بیش از یک دهه قبل بازمی‌گشت اما مساله اینجاست که میلر دقیقاً چهره‌ای است که می‌تواند اتاق بیضی کاخ سفید را به یک محفل متشکل از تندروترین محافظه‌کارانی تبیل کند که اتفاقاً با اسرائیل و شخص ترامپ روابط عمیقی دارند. انتخاب میلر در شرایطی انجام می‌شود که جمهوری‌خواهان پس از انتخابات میان دوره‌ای با کاهش حمایت بخشی از پایگاه اجتماعی خود مواجه شده‌اند و مشاوران ترامپ معتقدند رئیس جمهور برای بازسازی حمایت رأی‌دهندگان پوپولیست و بازگرداندن آنها به اردوگاه جمهوری‌خواهان، به چهره‌ای مانند میلر نیاز دارد. از سوی دیگر باید توجه شود که میلر یه یهودی اشکنازی است و روابط خوبی با اسرائیل هم از حیث اقتصادی و هم از منظر سیاسی امنیتی دارد و همین موضوع می‌تواند در شرایط فعلی منطقه به خصوص در مورد پرونده ایران برای ترامپ یک برنده باشد.

دوقطبی در کاخ سفید

بدون شک ورود میلز به کاخ سفید می‌تواند یک تغییر مهم قلمداد شود اما اهمیت دیگر آن این است که به نظر می‌رسد ترامپ قرار است در دو سال پایانی ریاست جمهوری خود، میراث محافظه‌کارانه‌ای به جای بگذارد و حتی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ را تحت تاثیر قرار دهد و در نهایت شاید لازم باشد که جی.دی ونس را به عنوان یک محافظه‌کار میانه‌رو، در گوشه رینگ گیر بیندازد. بر این اساس در اینجا و با آمدن میلر ما شاهد یک دو قطبی خواهیم بود. در این خصوص وال استریت ژورنال نوشته است که نزدیکان معاون رئیس جمهور نگران‌اند که هر نامزد جمهوری‌خواهی برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری دو سال دیگر با دشواری روبه‌رو باشد. این روزنامه مدعی شده که برخی از متحدان سیاسی ونس به او گفته‌اند که دیگر باور ندارند هیچ نامزد جمهوری‌خواهی بتواند دو سال دیگر در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود. به گفته شش نفر از نزدیکان ونس، او چه پیش از انتخابات و چه پس از آن، به اطرافیانش گفته است که هنوز درباره نامزدی تصمیم نگرفته است. حال باید دید که دو قطبی به وجود آمده در کاخ سفید پس از انتخابات نوامبر تا کجا علنی‌تر خواهد شد و چه خروجی به همراه دارد.

سید جلال ساداتیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی» بررسی کرد

چرا آمریکا در قبال ایران به چین رجوع کرد؟

آرمان ملی: برخی از منابع رسانه‌ای ایالات متحده مدعی شده‌اند که وزیر خزانه‌داری این کشور با چراغ سبز ترامپ از چین خواسته تا از نفوذ خود بر ایران استفاده کند و برای پایان جنگ وارد میدان شود. این موضوع به نوعی می‌تواند خروجی انتخابات میان دوره‌ای نوامبر قلمداد شود اما برای واکاوی ابعاد آن و اینکه چرا مجدداً پکن مورد توجه قرار گرفته، موضوعی است که برای روشن شدن ابعاد آن به گفت‌وگو با سید جلال ساداتیان، تحلیلگر مسائل بین‌الملل پرداختیم که می‌خوانید.

چرا واشنگتن برای پایان جنگ با ایران به سراغ چین رفته است؟

ترامپ بارها تلاش کرد با افزایش فشار، ایران را پای میز مذاکره بکشاند و وادار به دادن امتیاز کند؛ اما ایران از برخی مواضع قبلی خود عقب‌نشینی نکرد. مسأله هسته‌ای را عملاً از چارچوب مذاکراتی مورد نظر آمریکا خارج کرد و درباره تنگه هرمز نیز در برابر فشارها ایستادگی نشان داد. آمریکایی‌ها از یک طرف مدعی بودند تنگه را باز کرده‌اند و از طرف دیگر، با اقدامات نظامی و فشارهای دریایی تلاش می‌کردند وضعیت را تغییر دهند و با این حال، مقاومت ایران مانع تحقق اهداف آنها شد. محاسبه دیگر آمریکا این بود که فشارهای اقتصادی و مشکلات معیشتی، مردم ایران را به نقطه‌ای می‌رساند که شرایط داخلی دچار آشفتگی شود اما این موضوع هم به‌رغم وجود مشکلات اقتصادی با شکست روبه‌رو شد. اهمیت این شکست زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم دولت ترامپ برای مرحله بعدی، تداکرات گسترده‌ای در منطقه از محاصره دریایی و هوایی گرفته تا بررسی گزینه‌های نظامی و حتی حمله زمینی فراهم کرده بود. تصور آنها این بود که با حمایت کنگره می‌توانند فشار را ادامه دهند و ضربه نهایی را به ایران وارد کنند، اما تحولات انتخاباتی، این محاسبات را با تردید جدی مواجه کرد و حتی در داخل دولت آمریکا نیز شکاف‌هایی پدید آمد. اظهارات ونس درباره اینکه همراهی با اسرائیل و پذیرفتن خواسته‌های آن، از عوامل شکست آمریکا بوده، نیز نشان‌دهنده عمق اختلافات داخلی است. البته این به معنای پایان خط نیست؛ بلکه همچنان لابی صهیونیستی، حمایت بخشی از کنگره و عصبانیت شخص ترامپ وجود دارد و ممکن است او در واکنش به شکست‌های خود دست به تصمیمی پرخطر بزند تا به تعبیر عامیانه، زهرش را خالی کند و خسارت بیشتری به ایران وارد آورد. وضعیت سیاسی نتانیاهو نیز بر این معادله تأثیرگذار است و در وضعیت مناسبی نیست. در آمریکا نیز انتقادها از ترامپ افزایش یافته است رسانه‌ها و برخی نمایندگان و سناتورها، سیاست جنگی او را زیر سؤال برده‌اند و حتی تلاش می‌شود مسئولیت شکست‌ها به گردن وزیر جنگ، یعنی پیت هگست، انداخته شود. بحث محدودیت بودجه، مخالفت کنگره و احتمال حرکت به سمت استیضاح نیز مطرح است. در اروپا و آسیا هم نگرانی از بسته ماندن تنگه هرمز و کاهش ذخایر انرژی افزایش یافته است. کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی نیز با نگرانی‌های جدی اقتصادی و انرژی مواجه‌اند. عامل دیگر نیز نگرانی کشورهای عربی منطقه است. عربستان، قطر، امارات و عمان به‌شدت نگران گسترش تنش‌ها و آسیب دیدن زیرساخت‌های انرژی خود هستند. حمله به بخشی از تأسیسات آرامکو نیز نشان داد که این نگرانی‌ها واقعی است. سفر هیات سه‌جانبه به تهران و برگزاری نشست چهارجانبه، بیانگر آن است که کشورهای منطقه برای حفظ امنیت خود به نقش ایران نیاز دارند و در واقع، آنها از ایران می‌خواهند در مهار تنش‌ها و جلوگیری از آسیب به امنیت منطقه نقش‌آفرینی کند.

نگاه چین به درخواست آمریکا چگونه است؟

اساساً ورود جدی‌تر چین به معادله دیپلماتیک مهم است. ایران اعلام کرده که اگر چین در سطح بین‌المللی ضمانت لازم را برای توافق فراهم کند، می‌تواند این تضمین را در مذاکرات بپذیرد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که مسأله دیگر صرفاً تبادل پیام میان ایران و آمریکا نیست، بلکه بحث بر سر وجود یک تضمین معتبر برای اجرای توافق است. در همین چارچوب، پیشنهادهای هفت‌بندی ایران نیز مطرح شده است؛ بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای، ایران اعلام کرده در صورت تحقق شرایط موردنظر، ظرف شش روز تنگه هرمز را باز خواهد کرد و در روز هفتم درباره جزئیات توافق گفت‌وگو خواهد شد. همچنین موضوع گفت‌وگو درباره پرونده هسته‌ای نیز مطرح شده است. در کنار چین، روسیه نیز در تحولات دیپلماتیک و نظامی مورد توجه قرار گرفته است. اما آنچه فعلاً اهمیت بیشتری دارد، نقش میانجیگرانه این کشورهاست. از سوی دیگر، قطر نیز در تبادل پیام میان تهران و واشنگتن نقش فعالی ایفا می‌کند و سفرهای مکرر نماینده این کشور میان دو پایتخت نشان‌دهنده تداوم این ارتباطات است. در مجموع، اگرچه خطر اقدام نظامی آمریکا و اسرائیل همچنان وجود دارد، اما وزن تحولات به‌تدریج در حال تغییر است. مقاومت ایران، ناکامی انتخاباتی ترامپ، اختلافات داخلی آمریکا، بحران سیاسی اسرائیل، نگرانی کشورهای عربی و تلاش‌های دیپلماتیک، همگی احتمال حرکت به سمت مذاکره را تقویت کرده‌اند. به ویژه نقش چین می‌تواند در ایجاد تضمین‌های بین‌المللی و شکل‌گیری چارچوبی برای توافق اهمیت تعیین‌کننده داشته باشد. آنچه امروز بیش از گذشته روشن شده، این است که امنیت منطقه بدون حضور و مشارکت ایران امکان‌پذیر نیست؛ واقعیتی که اکنون آمریکا، کشورهای عربی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز ناگزیرند آن را در محاسبات خود لحاظ کنند.

مقاومت و هم‌افزایی شروط نصرت الهی



دادستان کل کشور اظهار داشت: تا این لحظه پیروزی‌های بسیار بزرگی به دست آورده‌ایم، اما دشمن دست‌بردار نیست. بنا بر وعده صریح الهی در آیه شریفه ان تنصروا ا... ینصرکم، تحقق پیروزی‌های بعدی و نهایی، مشروط به این است که در میدان عمل به یاری دین خدا بشتابیم، همبستگی همه جانبه، مقاومت فعال و هم‌افزایی مؤثر داشته باشیم. حجت‌الاسلام موحدی‌آزاد با اشاره به اینکه مسئله حجاب و پوشش همواره جزو دغدغه‌های اصلی نظام و متدینین بوده، گفت: اقدامات جزیره‌ای و موازی‌کاری در این حوزه آسیب‌زاست؛ همان‌گونه که در میدان نبرد نظامی نیازمند انسجام هستیم، در این ساحت فرهنگی نیز نیازمند «فرماندهی واحد» می‌باشیم. عفاف و حجاب مقوله‌ای چندوجهی است و اقدامات نباید بدون هماهنگی باشد.

شکست ترامپ در برابر ایران



سخنگوی نیروهای مسلح اظهار کرد: تحولات سیاسی و انتخاباتی آمریکا و شکست‌های پی‌درپی دولت ترامپ و هم‌حزبی‌های او، بیش از آنکه معلول نوسانات سطحی سیاست داخلی این کشور باشد، بازتابی از یک واقعیت بزرگ‌تر و غیرقابل انکار است؛ شکست در برابر اراده ایران مقتدر. سردار ابوالفضل شکارچی گفت: شکست دکترین تجاوز، ترور و فشار حداکثری و راهبردهای بی‌خاصیت نظامی واشنگتن در برابر اقتدار بازدارنده و اراده آهنین رهبری، ملت و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر هیچ تحلیلگر منصفی پوشیده نیست. وی افزود: هر قدرتی در برابر صخره مستحکم و استوار و اراده الهی و پولادین ایران اسلامی صف‌آرایی کند، سرانجامی جز سقوط و اضمحلال در افکار عمومی جهان نخواهد داشت.

فاصله قابل توجه تصویب تا اجرا



دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به جایگاه مجمع تشخیص در تدوین و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اظهار داشت: سیاست‌های کلی به‌عنوان تعیین‌کننده هندسه نظام و سرمایه‌ای راهبردی برای اتخاذ تدابیر کلان در حوزه‌های مختلف، مسیر حرکت کشور را مشخص می‌کنند. عباسعلی کدخدایی با اشاره به تشکیل هیات عالی نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی گفت: این هیأت با تدبیر رهبر شهید انقلاب و با هدف تقویت نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی شکل گرفت و وظیفه دارد ضمن رصد اقدامات، اجرای این سیاست‌ها را در دستگاه‌های مختلف پیگیری کند. وی با انتقاد از فاصله موجود میان سیاست‌گذاری و اجرا افزود: با وجود اقدامات و تلاش‌های صورت‌گرفته در حوزه تدوین سیاست‌های کلی، همچنان فاصله زیادی میان تصویب این سیاست‌ها و اجرای عملی آنها وجود دارد و این مسئله دلایل مختلفی دارد.

کوتاه

موثرترین مؤلفه بازدارندگی

معاون اول قوه قضاییه در ویراستی نوشت: وحدت حول محور رهبری معظم انقلاب، پشتوانه اقتدار کشور و ضرورتی عقلانی و سرمایه‌ای راهبردی است. یک محور، یک ملت، یک اراده؛ این معادله اقتدار ایران اسلامی است. وحدت و انسجام ملت، در زمره کارآمدترین و موثرترین مؤلفه‌های بازدارندگی در برابر دشمن است. حجت‌الاسلام خلیلی در ادامه آورد: آحاد مردم، به‌ویژه کارگزاران و بالاخص تریبون‌داران، ضروری است که پاسدار و حامی وحدت ملی باشند و از هر آنچه که سبب تفرق و تشتت می‌شود و در صفوف مستحکم و به‌هم‌پیوسته ملت ایران، رخنه و انشقاق ایجاد می‌کند، به جد پرهیز و احتراز کنند.

صرفه‌جویی و تقویت اقتصاد

رئیس سازمان بسیج مستضعفین با بیان اینکه صرفه‌جویی در مصرف انرژی می‌تواند به تولید ثروت و تقویت اقتصاد کشور منجر شود، تصریح کرد: اگر بتوانیم مصرف برق در بخش خانگی را کاهش دهیم، دولت می‌تواند برق آزادشده را در اختیار واحدهای صنعتی و کارخانه‌ها قرار دهد و از این طریق زمینه افزایش تولید و رونق اقتصادی فراهم شود. همچنین بخشی از منافع حاصل از این اقدام می‌تواند در مسیر طرح‌های مواسات و حمایت از معیشت اقشار نیازمند هزینه شود. حجت‌الاسلام حسین طائب مشارکت عمومی را شرط موفقیت این برنامه دانست و خاطرنشان کرد: تحقق این هدف نیازمند همراهی مردم و اصلاح الگوی مصرف در خانواده‌هاست. در همین راستا، پایگاه‌های بسیج فعال شده‌اند تا با آموزش شهروندان، فرهنگ کاهش مصرف و پیشگیری از هدررفت انرژی را در جامعه گسترش دهند.

مالکیت مسکن مهر و ملی

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با اشاره به وجود حدود ۳۰۰ هزار پرونده در کمیسیون ماده ۹۹ و همچنین حدود یک میلیون و ۸۵۰ هزار واحد مسکن مهر و نهضت ملی مسکن فاقد سند مالکیت گفت: تعداد قابل توجهی از واحدهای مسکن مهر و نهضت ملی مسکن هنوز سند مالکیت دریافت نکرده‌اند. حتی برخی از واحدهای مسکن مهر در طول حدود ۲۰ سال گذشته بارها معامله شده‌اند و در برخی موارد یک واحد تا ۵۰ بار دست به دست شده است. حسن بابایی با اشاره به تبعات نبود سند رسمی برای این واحدها ادامه داد: در چنین شرایطی ممکن است برخی افراد از مزایای حمایتی نهادهایی مانند کمیته امداد و بهزیستی استفاده کنند در حالی که چندین واحد مسکونی در اختیار دارند و حتی در دهک‌های پایین درآمدی قرار گرفته باشند. این موضوع ضرورت ساماندهی وضعیت مالکیت و صدور اسناد رسمی را دوچندان می‌کند.

وزیر اطلاعات و شرط اجتهاد

یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس درباره طرح موضوع حذف شرط اجتهاد برای وزیر اطلاعات در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی اظهار کرد: تاکنون هیچ طرحی از سوی مجلس یا لایحه‌ای از طرف دولت در کمیسیون بررسی نشده است. فداحسین مالکی گفت: البته حدود یک ماه قبل موضوعی در این زمینه در کمیسیون مطرح شد اما ادامه پیدا نکرد چراکه براساس آیین‌نامه، برای بررسی این موضوع باید طرح یا لایحه‌ای به کمیسیون ارجاع شود. وی افزود: مدت‌هاست که زمزمه‌های این موضوع مطرح بوده اما تاکنون بحث رسمی و تصمیم‌گیری مشخصی در این باره صورت نگرفته است. این عضو کمیسیون امنیت ملی تصریح کرد: با توجه به جایگاه وزارت اطلاعات و اهمیت موضوع، هرگونه تغییر در شرط اجتهاد برای تصدی این مسئولیت باید با دقت در نظر گرفتن ملاحظات قانون اساسی و نظر مقام معظم رهبری بررسی شود. وی تأکید کرد: نظر مقام معظم رهبری درباره هر موضوعی برای وزارت اطلاعات از جمله شرط اجتهاد برای کمیسیون اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد.

افزایش توان دفاعی کشور

مشاور فرمانده نیروی هوافضای سپاه با اشاره به ادعاهای مقامات آمریکایی و صهیونیستی درباره تضعیف توان نظامی جمهوری اسلامی ایران اظهار کرد: این اظهارات بیشتر جنبه تبلیغاتی و جنگ روانی دارد. دشمن تلاش می‌کند با طرح چنین ادعاهایی، روحیه مردم را تضعیف و میان مردم و مسئولان اختلاف ایجاد کند، اما تجربه نشان داده است که وحدت ملی مهم‌ترین پشتوانه کشور در برابر تهدیدات خارجی است. سردار بلالی با اشاره به نقش مردم در دوران دفاع مقدس و مقاطع مختلف رویارویی با دشمن افزود: ملت ایران همواره در بزنگاه‌های تاریخی در صحنه حضور داشته‌اند و حمایت همه‌جانبه خود را از کشور و نیروهای مسلح نشان داده‌اند. همین همراهی و انسجام ملی بود که در دوران جنگ تحمیلی، زمینه‌ساز ایستادگی و پیروزی ملت ایران شد. وی عنوان کرد: در فرصت ایجادشده پس از جنگ، توان دفاعی کشور ارتقا پیدا کرده و امکانات و ابزارهای مورد نیاز نیروهای مسلح رشد قابل توجهی داشته است. همچنین میزان تولید تجهیزات دفاعی نسبت به گذشته افزایش یافته است.